

حافظه جمعی مردم درباره یک مقاومت ملی که ابتدا در برابر استبداد داخلی ایستاد و بعدها با وحدتی مثال‌زدنی گسترده‌ترین جنگ نظامی در دوران جنگ سرد را مہار کرد، امتیازی است که کمتر کشوری از آن برخوردار است. از همین رو عمده روایت‌سازی‌های جریان‌ات ضدانقلاب و رسانه‌های وابسته به دولت‌های غربی و عربی در سال‌های اخیر، معطوف به تضعیف چنین الگویی در ذهن ایرانیان بوده است



بررسی شرایط اقتصادی جامعه ایران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و رسوایی روایت جریان تحریف

سال‌های زاغه‌نشینی

محمد سلحشور: آگاهی هر ملت نسبت مستقیم‌ی با تاریخ آن ملت و میزان تسلط مردم بر وقایع تاریخی دارد. حافظه جمعی به عنوان عاملی انسجام‌بخش در کشش و واکنش مردم در مواجهه با پدیدارهای بیرونی، نقشی تعیین‌کننده در سر نوشت هر ملتی دارد، تا آنجا که بسیاری از قیام‌ها و نهضت‌های ملی را بیش از متغیرهای مادی، باید بر اساس حافظه و فهم جمعی مردم مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد. با این مقدمه بیراه نیست اگر ادعا کنیم تاثیر انقلاب اسلامی و شکل‌گیری یک هویت و حافظه جمعی پیش از هر مولفه دیگری این واقعه تاریخی را واجد اهمیت کرده است؛ انقلابی که از جهات مختلف رنگ و ریشه‌ای متمایز نسبت به قرن پر حادثه بیستم و انقلاب‌های متعددش داشت. در این میان اما روزگار پسانقلابی و تجربه جنگ تحمیلی و دفاع‌مقدس ۸ ساله مردم ایران که باعث شد ایرانیان بعد از چند قرن در یک نبرد نظامی هیچ قسمتی از خاک خود را دست ندهند، به انقلاب و جهت‌گیری تاریخی‌اش ارزشی دوچندان داد. حافظه جمعی مردم درباره یک مقاومت ملی که ابتدا در برابر استبداد داخلی ایستاد و بعدها با وحدتی مثال‌زدنی گسترده‌ترین جنگ نظامی در دوران جنگ سرد را مہار کرد، امتیازی است که کمتر کشوری از آن برخوردار است. از همین رو عمده روایت‌سازی‌های جریان‌ات ضدانقلاب و رسانه‌های وابسته به دولت‌های غربی و عربی در سال‌های اخیر، معطوف به تضعیف چنین الگویی در ذهن ایرانیان بوده است. تحریف در چرایی و چگونگی خیزش جمعی مردم که به پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ منتهی شد، در کنار تشکیک در چرایی دفاع ایرانیان از سرزمین خود و تأکید بر «استقلال ملی» از مهم‌ترین خطوطی است که در سال‌های اخیر بی گرفته شده است. القای تصویری تحریف شده از ایران پیشانقلابی برای مخاطبانی که زاده چند دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده‌اند، از جمله مهم‌ترین حربه‌های جریان تحریف برای تشکیک بار باورهای عمومی ایرانیان و کاستن از بار معنایی انقلاب در حافظه جمعی مردم است؛ روایت‌هایی که با تقطیع جامعه ایران و برجسته کردن رفاه طبقات بالا در جامعه نابرابر پیشانقلابی سعی دارند تعبیر و تفسیر غالب جامعه که غرق در فقر و محرومی بود، چشم‌پوشی شود. البته این جنگ روایت تنها به وجوه تاریخی ایران محدود نمی‌شود و جریان تحریف سعی می‌کند حتی فراتر از تاریخ

نخستین تاثیر شکست اصلاحات ارضی را می‌توان در شکل‌گیری یک موج مهاجرتی به سمت شهرهای بزرگ از سمت دهقانان بیکار دانست؛ نیروهای کار ارزان‌قیمتی که آماده‌روود به شهر به عنوان دروازه پیشرفت و بستری برای ارتقای موقعیت معیشتی خود بودند. از همین رو می‌توان جریان جدی شکل‌گیری موج حاشیه‌نشینی در قالب شهرهای بزرگ را مصادف با شکست طرح اصلاحی شاه دانست

دریافت چرا در برهه کنونی که اقتصاد تبدیل به مهم‌ترین موضوع کشورمان شده است، بیشترین تأکید رهبر حکیم انقلاب در سخنرانی ماه‌های اخیرشان بر مساله «جهاد تبیین» و لزوم حضور فعال جریان انقلابی در عرصه جنگ روایت‌ها بوده است. در این میان تأکید بر تبیین دستاوردهای ملت ایران در جریان انقلاب اسلامی یکی از محورهای مهم مطالبات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای بوده و ایشان در دیدار هفته گذشته جمعی از فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش فرمودند: امروز نیز مقابله با تهاجم دشمن برای تحریف واقعیت‌ها، دستاوردها، پیشرفت‌ها و اقدامات حماسه‌آمیز نظام اسلامی نیازمند یک حرکت دفاعی و تهاجم ترکیبی با محوریت فریضه فوری و قطعی جهاد تبیین است.

بر همین اساس امروز پرداختن به سیر تحولات منتهی به انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۵۷ و بررسی تحولات پس از انقلاب و دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران فریضه‌ای حیاتی برای همه کسانی است که نسبت به آینده این خاک و سرنجام حرکت ملی ایرانیان خود را متعهد می‌دانند. یقیناً پاسداری از مرزهای هویتی هر کشور نیازمند آگاهی جمعی درباره گذشته و ایجاد فهمی مشترک برای آینده یک ملت است و به همین خاطر پرداختن به تاریخ مقاومت ملی ایرانیان و قیام آگاهانه مردم که در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، از مهم‌ترین مصادیق «جهاد تبیین» است. نکته مهمی که در این باره باید مورد توجه قرار گیرد این است که تبیین دستاوردهای جمهوری اسلامی به عنوان ثمره نهایی انقلاب اسلامی، بدون داشتن نگاهی جامع درباره چرایی پیروزی انقلاب و شرایطی که مردم را به نسبت این قیام هدایت کرد، نمی‌تواند چندان کارساز باشد.

پرسش کلیدی درباره چرایی انقلاب مردم ایران علیه طاغوت شاهنشاهی هر چند در ظاهر پرسشی قدیمی و با پاسخی روشن است اما به عنوان پایه‌ای برای تبیین وقایع پس از انقلاب اسلامی و دستاوردهای جمهوری اسلامی حیاتی است. نمی‌توان چشم بر این واقعیتی بست که جریان تحریف بیشترین سرمایه‌گذاری خود برای حمله به انقلاب را بر عهده آگاهی و تسلط بخش بزرگی از جامعه هدفش بر فضای پیشانقلابی ایران استوار کرده است. ایجاد تصویری خلاف واقع و تقویت یک نوستالژی نمادین از ایران پیشانقلابی که سرشار از خوشبختی بوده، ابزاری برای نکوشی و بی‌اعتبار کردن واقعیت‌های انقلابی ایرانیان است. بر همین اساس سعی شده در چند یادداشت تحلیلی ضمن تبیین چرایی انقلاب اسلامی و به تصویر کشیدن واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران پیش از انقلاب به پایه‌های بیان دستاوردهای جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر پرداخته شود. از آنجا که بحران‌های اقتصادی در ۱۰ سال گذشته - که حاصل جمعی از تاکنار آمدی‌های داخلی جریان غرب‌گرا و فشارهای اقتصادی دشمنان خارجی بوده - ظهور و بروز یافته، جریان تحریف پیش از هر چیز در این سال‌ها تلاش کرده با ارائه تصویری خلاف واقع از شرایط اقتصادی جامعه ایران پیشانقلاب، شرایطی متفاوت را نسبت به آنچه به چشم جمعی مردم منتهی شد، تصویر کند و حتی در تحلیلی شاذ انقلاب اسلامی را نتیجه وفور نعمات و رفاه گسترده ایرانیان(۱) بخواند. در این میان ناگفته پیداست که اقتصاد متغیر اصلی خیزش مردم ایران علیه نظام شاهنشاهی نبوده و ماهیت فرهنگی و هویتی انقلاب پیش از هر عامل دیگری نقش محوری داشته است اما نمی‌توان چشم بر این واقعیت بست که بخش بزرگی از نزاع هویتی مردم و رژیم

حاکم، برآمده از شرایط اقتصادی و تبعیض عجیبی بود که بر جامعه ایران سیطره پیدا کرده بود. دال «عدالت» به عنوان مرکزیت مطالبات انقلابی بخوبی این مساله را نمایان می‌کند. با این اوصاف در نوشتار پیش رو سعی می‌شود با انداختن نگاهی به سیاست‌های اقتصادی رژیم شاهنشاهی در ۳ و ۴ «اصلاحات ارضی» به عنوان تلاش پسر و صدای شاه برای احقاق حقوق کشاورزان، «برنامه‌های توسعه» به عنوان مصادیق اصلی سیاست‌گذاری رژیم پهلوی و «سیاست‌های نفتی» به عنوان معیاری برای ارزیابی نتایج مدیریت اقتصادی شاه الگویی درامد و منافع، به شمایی کلی از شرایط اقتصادی پیشانقلاب برسیم.

■ اضمحلال زیست دهقانی و رونق حاشیه‌نشینی
از میان مجموعه اقدامات دوره ۳۷ ساله پهلوی دوم برای اصلاحاتی در جهت کنترل و خشم اجتماعی توده مردم می‌توان «اصلاحات ارضی» را مهم‌ترین اقدام انجام شده دانست؛ اقدامی دو سر برد که در آن بنا به این گذشته شده بود با تغییر نظام توزیعی زمین‌ها، هم اشراف محلی و خان‌ها به توزیع تهدید بالقوه قدرت مرکزی مہار شوند و هم ظرفیت بالقوه شورش‌های دهقانی خنثی شود و با دستیابی آنان به این حد از مالکیت مستقل، در جهت تقویت همبسته کردن آنها با رژیم پهلوی گامی برداشته شود. اما نحوه پیاده‌سازی اصلاحات ارضی که در ۳ فاز انجام شد، به نتایجی متضاد با اهداف اولیه منجر شد به طوری که ایران که در اوایل دهه ۱۳۴۰ یکی از صادرکنندگان مواد غذایی بود، در نیمه‌های دهه ۱۳۵۰ سالانه یک میلیارد دلار برای واردات محصولات کشاورزی هزینه می‌کرد. در زمینه تراکم توزیع زمین‌ها هم بر عکس اهداف اصلاحات، سطح تراکم زمین پس از اجرای اصلاحات بیشتر شد و تعداد کمتری زمین‌های بیشتری در اختیار گرفتند. در فاصله سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۳ تعداد مالکان کوچک و بی‌زمین‌ها (آنهايي که ۵ هکتار یا کمتر زمین داشتند) از حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار به حدود ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار خانوار افزایش یافت. این یعنی بیش از ۸۹۰ هزار خانوار در آن دوره به خانوارهای فقیر روستایی افزوده شدند. به همین منوال اگر چه به لحاظ تعداد، زمین‌های آنها افزایش یافت اما متوسط مساحت زمین‌هایشان ۰،۷ هکتار به ازای هر خانوار کاهش یافت. در همین دوره متوسط مساحت زمین کشاورزی زمین‌داران بزرگ (۵ هکتار یا بیشتر) ۱۵،۱۲ هکتار به ازای هر خانوار افزایش یافت، در حالی که سهم آنها از کل جمعیت از ۳۷ به ۲۹،۵ درصد کاهش پیدا کرد. این گروه مدای در حال کوچک‌تر شدن، سهم خود از کل زمین‌های زراعی را در این مدت از ۷۹ درصد به ۸۵ درصد رساندند و این روند در سال‌های بعد ادامه یافت. مجموعه این عوامل که ناشی از عدم پختگی و اجرای ناقص طرح مذکور بود، پس از مدتی برخلاف اهداف اولیه طرح باعث شد وضعیت بخش عمده‌ای از دهقانان به مراتب بدتر از وضعیت پیش از اصلاحات ارضی شود.

نخستین تاثیر شکست اصلاحات ارضی را می‌توان در شکل‌گیری یک موج مهاجرتی به سمت شهرهای بزرگ از سمت دهقانان بیکار دانست؛ نیروهای کار ارزان‌قیمتی که آماده ورود به شهر به عنوان دروازه پیشرفت و بستری برای ارتقای موقعیت معیشتی خود بودند. از همین رو می‌توان جریان جدی شکل‌گیری موج حاشیه‌نشینی در قالب شهرهای بزرگ را مصادف با شکست اصلاحات ارضی به عنوان مهم‌ترین طرح اصلاحی شاه دانست. دوره دوم شهرنشینی در برگیرنده ۲ مرحله بود؛ مرحله اول آن از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۳ مرحله رونق شهری با درآمدهای نفتی بود و مرحله دوم از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ علاوه بر ادامه گسترش شهرنشینی، توسعه خدمات شهری را نیز در برداشت. در این میان درصد شهرنشینی در سال‌های ۴۵، ۳۵ و ۵۵ به ترتیب از ۳۱،۴ درصد به ۳۸،۷ درصد و ۴۷،۱ درصد رسیده است. شکست اصلاحات ارضی و به حاشیه راندن فضای دهقانی

کشور علاوه بر تغییر سیستم کشاورزی و روستایی ایران به مناسبات و فضای شهری نیز سرایت کرد و باعث شکل گرفتن یک جریان حاشیه‌های در مناسبات کاری شد که علاوه بر دور ماندن از محیط بومی خویش، به علت نداشتن تخصص لازم برای به عهده گرفتن عمده مشاغل شهری، «اصلاحات ارضی» به عنوان تلاش پسر و صدای شاه برای احقاق حقوق کشاورزان، «برنامه‌های توسعه» به عنوان مصادیق اصلی سیاست‌گذاری رژیم پهلوی و «سیاست‌های نفتی» به عنوان معیاری برای ارزیابی نتایج مدیریت اقتصادی شاه الگویی درامد و منافع، به شمایی کلی از شرایط اقتصادی پیشانقلاب برسیم.

■ توسعه به نفع اقلیت
برنامه‌های توسعه و عمرانی را در هر حکومتی می‌توان به عنوان آینه‌ای از سیاست‌گذاری حاکمیت شناخت که کمترین خطر آلودگی با بلندپروازی‌های موجود در مواضع غیررسمی را دارد. بر همین اساس انداختن نگاهی کوتاه اما مبتنی بر استانداردهای مورد نظر رژیم شاهنشاهی پهلوی در مقوله برنامه‌های توسعه می‌تواند کمک شایانی در جهت شناخت وضعیت موجود در زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی باشد. در این میان نداشتن نگاهی به این پیش‌فرض که تلاش برای شکل‌گیری یک «تجدد امرانه» به عنوان سرفصل سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و فرهنگی پهلوی اول و دوم بوده است، ما را در رسیدن به هدف کلی این برنامه‌ها کمک می‌کند. نسبت غیرقابل انکار سیاست‌گذاری و تعیین چشم‌انداز با وضعیت فروش و درآمد نفتی آنچنان که امروز نیز وجود دارد، نقشی تعیین‌کننده در روند برنامه‌های عمرانی پهلوی دوم که از سال ۱۳۲۷ آغاز شد، داشته است. در برنامه اول توسعه (۱۳۲۷-۱۳۳۲) ۳۷،۱ درصد

(۷۸ میلیارد ریال) از درآمدهای نفتی برای این امر اختصاص یافت. در برنامه دوم (۱۳۴۱-۱۳۴۶)، سهم بخش نفت در تأمین هزینه‌ها به ۶۴،۵ درصد (۶۰،۹۹ میلیارد ریال) بالغ شد. میزان این اتکا در برنامه سوم (۱۳۴۶-۱۳۴۲) به ۶۶ درصد (۱۵۳،۲ میلیارد ریال) و در برنامه چهارم (۱۳۵۱-۱۳۴۷) به ۶۳ درصد (۳۸۵ میلیارد ریال) بالغ می‌شد. برنامه پنجم (۱۳۵۶-۱۳۵۲) با افزایش جهانی قیمت نفت هم‌زمان شده بود که تأثیر آن، تجدیدنظر در هزینه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری در این برنامه بود. نخستین برنامه توسعه که سال ۱۳۲۷ و پس از پایان جنگ دوم جهانی به اجرا گذاشته شد، با اختصاص ۲۸ درصد بودجه به امور اجتماعی و ۲۴ درصد بودجه به امور کشاورزی، تأکید اولیه را معطوف به این ۲ حوزه کرد. برنامه دوم که حداقل سال‌های ۳۴ تا ۴۱ به اجرا درآمد، به علت پشت سر گذاشتن بحران‌های نفتی با موفقیتی نسبی در قیاس با برنامه اول با توسعه کشاورزی، توسعه و ترمیم راه‌آهن، بندار، فرودگاه‌ها و کمک به گسترش صنایع با تأسیس کارخانه ذوب‌آهن همراه بود. برنامه سوم که در فاصله سال‌های ۴۱ تا ۴۶ اجرایی شد، به علت هم‌زمانی با اصلاحات ارضی، تغییرات

زیادی در جهت‌گیری توسعه کشور به وجود آورد و با فراری دادن سرمایه از بخش کشاورزی به بخش خدمات و صنایع شهری، باعث شکل‌گیری یک تغییر بنیادین در مسیر اهداف کلان کشور شد. از همین جهت میانه دهه ۴۰ را می‌توان آغازی از تمایل به تقویت شهرها در جهت تقویت یک طبقه شهری مرفه و بی‌اعتنایی به رفاه و معیشت دهقانان دانست. در مجموع برنامه سوم را می‌توان برنامه‌ای شکست خورده دانست که بخش عمده اعتبارات را صرف ایجاد زیربنای صنایع سرمایه‌بر کرد. اصلاحات ارضی نیز در این میان با شکست خود باعث مزاد شدن یکباره نیروی کار ارزان قیمت مهاجر در شهرها شد که در حوزه صنعت، خدمات و ساختمان آماده کار با دریافت کمترین میزان درآمد بود. همچنین با تضعیف معیشت روستایی در این برهه و فرصت پیدا کردن واردکنندگان در جهت واردات بی‌رویه، فضا به سمتی رفت که محیط دهقانی کشور از حالتی خودکفا به زیر سلطه بازاری برود که اقلام مصرفی او را تأمین می‌کرد. برنامه چهارم که حد فاصل سال‌های ۴۶ تا ۵۱ به اجرا درآمد، ادامه سیاست‌های برنامه سوم تلقی می‌شد و با اختصاص تنها ۸،۲ درصد به بخش کشاورزی و ۸،۱ درصد به بخش دامپروری، سیاست تقویت شهرها و تضعیف ناخواسته جامعه روستایی را پیگیری کرد. برنامه پنجم - که در فاصله سال‌های ۵۱ تا ۵۶ اجرا شد - با نظر داشتن به ۳ انفجار جمعیت، نیروی انسانی و مهاجرت شهری سعی در تغییر رویه‌های جاری داشت. عدم توازن در جریان توزیع منابع درآمدی و خدمات عمومی از یک سو و انسداد جریان کلی پیشرفت تنها در جهت منافع یک اقلیت، باعث شد مجموعه سیاست‌گذاری‌های انجام شده که به دنبال مہار جریان بالقوه اعتراض اجتماعی نسبت به رژیم شاهنشاهی بود، تبدیل به عاملی مهم در جهت ناراضی‌های عمومی شود. به عبارت دیگر آنچه توزیع می‌شد، به جای مہار شکاف‌ها باعث عمیق‌تر شدن آنها می‌شد. رشد یکباره و چشمگیر سطح زندگی یک طبقه اجتماعی و در بهترین حالت ممکن کند بودن سرعت رشد دیگر طبقات باعث شده بود ناراضی‌های از رژیم بیش از هر زمان دیگر به چشم آید.

■ تزریق نفت به رگ سلطنت
اقتصاد تک‌محصولی ایران و افزایش نقش نفت در مبادلات اقتصادی جهان، سرنوشت اقتصادی کشور را در یک قرن اخیر درگیر خود کرده است. افزایش بی‌سابقه و یکباره قیمت نفت در دهه ۴۰ عملاً مهم‌ترین امتیاز اقتصادی بود که شاه کسب کرد و عمده فعالیت‌های تبلیغاتی رژیم شاهنشاهی نیز متاثر از این متغیر بود. با این حال انداختن نگاهی بر سر نوشت و سرنجام توزیع ثروت نفتی گویای این واقعیت است که چنین فرصت کم‌نظیر و باادورده‌ای نه تنها موجب بهبود معیشت طبقات پایین جامعه نشد، بلکه شکاف‌های اقتصادی و طبقاتی را نیز بیش از پیش تعمیق بخشید.

در این میان یادآوری این نکته ضروری است که به موازات اینکه سهم درآمدهای نفتی نسبت به کل درآمدهای دولتی از ۱۱ درصد در سال ۱۳۳۳ به حدود ۸۶ درصد در سال ۱۳۵۳ افزایش یافت، نظام سلطنتی نیز با احساس استقلال کامل از جامعه، فضای سیاسی کشور را بیش از پیش بسته کرد. در حالی که محمدرضاشاه از آغاز دوره پادشاهی خود در دهه ۲۰ به علت ضعف قدرت و تلاش برای کسب وجهه‌ای جدا از پدر مخلوق خویش همواره سعی در برخوردی محافظه‌کارانه با روحانیت و نهادهای دینی داشت، تقابل آشکارش با علمای دین از آغاز دهه ۴۰ تا حد زیادی تحت تاثیر تقویت جایگاهش در سایه افزایش درآمدهای نفتی دولت بود. تلاش‌های متعدد برای شکل دادن به «سپاه دین» در کنار «سپاه دانش» بخشی از تلاش‌هایش برای استفاده از درآمد نفت در جهت وابسته کردن تمام نیروهای اجتماعی به رفاه و پادشاهی وی بود. عدم توزیع عادلانه این درآمدها باعث شد اقتصاد ایران طعم درآمد نفتی را به جای عرصه تولید، در زمینه مصرف بچشد. شکل‌گیری تقاضای انبوه در جهت مصرف و مدیریت صحیح این تقاضا به نفع اکثریت جامعه باعث شد دست بالای دولت در جریان این مقوله تبدیل به عاملی در جهت ناراضی‌های بخش عمده مردم شود. در متالی مشهور از این مساله «فرانس فیتز‌جرالد» نویسنده سرشناس آمریکایی - مشاهداتش در ایران را در سال ۱۳۵۳ در مقاله‌ای به نام «به شاه هر چه می‌خواهد بدهید» که در یکی از مجلات آمریکا چاپ شد، آورده است: «وضعیت ایران به طور کلی به مراتب بدتر از کشوری مانند سوریه است که نه نفت و نه ثبات سیاسی دارد. به این دلیل که شاه برای توسعه کشور هرگز تلاش جدی نکرده است... ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش

در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب نفتی آنچه حاکم شده نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات؛ که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش

تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوکس مصرفی باعث شد بخش عمده‌ای از این درآمد به جای آنکه تبدیل به وسیله‌ای برای رشد صنایع داخلی شود، به بیرون فرستاده شود. ثروت کشور بیشتر به سوی خردروهای شخصی و نه اتوبوس، کالاهای مصرفی و نه بهداشت عمومی و به سوی حقوق سربازان و پلیس کشور و به امور گاران، و هیچ نیازی از آن مجموعه این اوصاف از وضعیت حاکم بر کشور در جریان توزیع درآمد هنگفت و عجیب‌نفتی آنچه حاکم شد، نه یک توسعه در جانب گسترش تولیدات، که شکل‌گیری یک موج مصرف‌گرایی متضرر برای صنایع داخلی بود. بافت شدن یکباره دروازه‌های کشور برای واردات کالاهای لوک